

فمینیسم؛ راه یا بی‌راه؟

نویسنده: دایانا پاسنو

مترجم: دکتر محمدرضا مجیدی

ناشر: دفتر نشر معارف

تاریخ انتشار: ۱۳۸۴

اکرم حسینی / کارشناس ارشد علوم قرآنی و حدیث



گوینده و تاریخ و سند، یکی از خواسته‌ها یا ادعاهای فمینیست‌ها را رد می‌کند.

کتاب به ظاهر، در ده فصل، دسته‌بندی و تنظیم شده است. اما اولاً هیچ‌گونه تفکیک و مرزبندی منطقی میان فصول نیست و عنوان هر فصل نه جامع است و نه مانع. به طوری که هر مطلب را می‌توان در چند فصل دیگر قرار داد و ده‌ها مطلب دیگر به آن فصل افزود یا کم کرد.

ثانیاً عناوینی بر حسب یادداشت‌های نویسنده، انتخاب شده و محتوای آن با یک درهم ریختگی کنار هم چیده شده است، اما در نهایت هدف اصلی کتاب را دنبال می‌کند. خلاصه همانطور که مترجم در یادداشت خود اشاره می‌کند، دایانا در این کتاب یک گزارشی از درون جامعه آمریکایی می‌دهد. ایده‌های نویسنده در خصوص نقد فمینیسم در

«دایانا پاسنو»، زنی آمریکایی است و پایبندی‌هایی به مسیحیت دارد. اعتقادات به آیین مسیحیت و دلستگی‌اش به خانواده و والدین خود سبب شده که پس از دوره‌ی کوتاهی همراهی با فمینیست‌ها، این جریان را در تضاد شدید با دینداری (البته از نوع مسیحی) و ارزش‌های خانواده دیده و از آن‌ها فاصله گرفته است. بعد از این مرحله، او به جمع‌آوری یادداشت‌های پراکنده از مجلات و روزنامه‌ها و فیلم‌ها و آثار فرهنگی مبلغ فمینیست می‌پردازد و زمانی تصمیم می‌گیرد که آن‌ها را به صورت کتابی جمع‌آوری کند. به همین دلیل اثر او به کشکولی شبیه است که هر قطعه‌ی آن فمینیسم را زیر سؤال می‌برد، نه کتابی منقح و سامان یافته، مترجم در یادداشت خود به این موقعیت کتاب اشاره می‌کند و می‌گوید: «نباید از این کتاب، انتظار کاری عمیق در حوزه‌ی نظری داشت.»

با آوردن اسنادی از گفته‌ها یا شنیده‌ها، البته غیر مستند و بدون ذکر

به فیلم «همسران استیپ فونه» انتقاد می‌کند و می‌گوید: «این فیلم در مورد زنانی است که شوهرانشان آدم ماشینی را جایگزین آنها کرده‌اند. ما نباید روبات‌هایی باشیم که نقش‌هایی تعریف شده از فمینیست‌ها را بدون هیچ پرسشی بپذیریم.»

فصل دوم: فرانسیس؛ یک آغاز شگفت‌انگیز

در این فصل، نویسنده به توانمندی، مدیریت و تفکرات زنی به نام «فرانسیس ویلارد» می‌پردازد و از زاویه‌ی خوشنام‌ترین و تأثیرگذارترین زن در طول قرن نوزدهم یاد می‌کند. زنی که در تشییع جنازه‌ی او در سال ۱۹۸۹ در ایالت ایلینوی، ۳۰ هزار نفر از زن و مرد شرکت کردند و روزنامه‌ها درباره‌ی مرگش نوشتند که: «نام هیچ زنی در دنیای انگلیسی‌زبان، پس از نام ملکه بزرگ انگلستان، شناخته شده‌تر از او نیست». ویلارد در سال‌های ۱۸۷۳ و ۱۸۷۴ که نهضت زنان، شمال ایالات متحده آمریکا را به لرزه درآورده بود، نخستین رئیس دانشکده‌ی زنان بود.

او در دسامبر ۱۸۷۳، رهبری عده‌ای از زنان معترض به مصرف افراطی در مشروبات الکلی را به عهده گرفت. او زن‌های خانه‌دار و غیر خانه‌دار را با خود همراه کرد. اعتراضات آن‌ها علیه مشروب‌فروشی‌های علنی، سبب تعطیلی بسیاری از آن‌ها شد و ظرف مدت سه ماه مشروب‌فروشی‌ها در ۲۵۰ روستا تعطیل شد و تا پایان جنبش، بیش از ۹۰ محله در ۳۱ ایالت «این‌ویدا» او را تجربه کردند. با این حرکت، هزاران زن احساس قدرت کرد و این نخستین باری بود که زنان به طور همگانی برای مسئله‌ی خاصی دست به قیام زدند.

تلاش‌های بی‌وقفه‌ی ویلارد تا پایان عمر ادامه داشت و اثرات چشمگیری به جای گذاشت. نویسنده معتقد است هر اقدامی که وی در زندگی استثنایی خود انجام داد، برگرفته از استنباط او از کتاب مقدس بوده است.

فصل سوم: جنس فمینیستی امروزی

در فصل سوم، نویسنده به اعتقادات و برخی اقدامات پست‌مدرنیست‌ها می‌پردازد. او می‌گوید: «پست‌مدرنیست‌ها به «نسبیت ارزش‌ها»

سراسر کتاب تکرار می‌شود و گاه عبارات نیز تکرار شده است. از ویژگی‌های مثبت کتاب، اعتبار تاریخی یادداشت‌های نویسنده است که سبب شده مسیر انحرافی و پرمشکل فمینیسم را مرور کند و اثرات مخرب آن را گام به گام در فرهنگ آمریکایی و ویرانی خانواده در این کشور نشان دهد. نویسنده معتقد است توانسته با کمک گرفتن از این یادداشت‌ها، برای مقابله با فمینیسم، جزئیاتی از عملکرد آن را استخراج کند از جمله:

- فمینیسم معیارهای اخلاقی را نابود کرده است؟
- فمینیسم زنان ما را تحت نفوذ خود درآورده است.
- فمینیسم دوستی‌های دو جنس موافق را نابود و آن را تبدیل به جنبشی کرده است که تحت سلطه‌ی دستورات و مباحث همجنس‌بازان است.
- فمینیسم منجر به ظهور نسلی از مردان شده است که به زنان با بی‌احترامی می‌نگرند و از آن‌ها صرفاً استفاده‌ی جنسی می‌نمایند.
- فمینیسم به آموزش‌های کتاب مقدس درباره‌ی نقش‌ها و جنسیت‌ها جلوه‌ی بدی داده است.
- فمینیسم موجب تضعیف خانه و خانواده شده است.
- فمینیسم، زنان را قربانی خود ساخته است.
- نویسنده با جدیت ایده‌ها و رفتارهای ناپسند، غیراخلاقی و ضد ارزشی فمینیست‌ها را مورد انتقاد قرار می‌دهد و گاه آن را با تعالیم مسیح مقایسه می‌کند.
- ایده‌هایی نظیر «آزادی همجنس‌بازی»، مبارزه با کلیه‌ی محدودیت‌ها و حریم‌های تعیین شده توسط آیین مسیح.

فصل اول: زنان مثل من

در این فصل، پاسنو در انتقاد از برخوردهای فمینیست‌ها با مسیحیت سخن می‌گوید و بیشتر به وضعیت زندگی خود و مسیری که طی کرده می‌پردازد. او قائل است که: «چرا جهان‌بینی فمینیسم کاملاً مخالف با جهان‌بینی مسیحی است؟ چرا زنان جوان بیست ساله‌ای که در فرهنگ فمینیستی پرورش می‌یابند، به سختی نقش باور نکردنی‌ای که خدا در کتاب مقدس برای زنان مطرح کرده است را فهمیده و می‌پذیرند؟» او



فصل پنجم: چهره جدید فمینیسم

در فصل پنجم، موضوع همجنس‌بازی مورد نقد شدید نویسنده است. همان رفتار ناپسند اجتماعی که تبعات ناخوشایندی در فرد، خانواده و اجتماع دارد. او با ذکر نمونه‌هایی از این رفتار زشت، یادآور می‌شود که در کتاب مقدس از همجنس‌بازی به عنوان گناه یاد شده است.

دایانا، نگران گسترش شدید این گناه در جامعه است و معترض است که چرا فمینیست‌ها از این امر طرفداری می‌کنند و می‌گویند فعالان همجنس‌باز به جنبش فمینیسم پیوسته‌اند و تحلیل او این است که این پیوند مناسب و بجاست، زیرا هر دو گروه ضد مسیحیت هستند. او توضیح می‌دهد که خدای قادر مطلق، حکم به تشکیل خانواده داده و هیچ حرکتی از سوی زنان و هیچ مسئله‌ای هرچند مهم نمی‌تواند این واقعیت را تغییر دهد. پیام انجیل، عشق عالی است که به منتهای معنا با عدالت عجیب شده است.

فصل ششم: در مقابل یک دنده، چه می‌توانم بگیرم؟

فصل ششم، موضوع خلقت زن و نسبت او با مرد مطرح می‌شود. نویسنده با اشاره به لطیفه‌ای قدیمی، اعتقاد غلط برخی را نسبت به خلقت زن مورد انتقاد قرار می‌دهد. او می‌گوید بسیاری از زنان مسیحی به جهت وجود تناقض و ابهاماتی که بین خداشناسی و فرهنگی که در آن می‌زیزند، نسبت به نقش افتخارآمیز خداوند در آفرینش تردید دارند.

معتقدند... مفهوم اخلاقی مطلق و حاکمیت الهی مفهوم‌هایی قدیمی هستند و آن‌هایی که به حقیقت مطلق معتقد هستند به عنوان ظالم و متعصب تلقی می‌شوند». نویسنده معتقد است برنامه‌ی فمینیستی سکولار در یک فرهنگ پست مدرنیستی به خوبی رشد یافته است، زیرا این جنبش اساساً خودخواهانه و خودپسندانه است.

فصل چهارم: تاریخ بد تکرار می‌شود...

فصل چهارم به نقد یکی دیگر از دیدگاه‌های فمینیست‌ها می‌پردازد به نام «طرفداری از سقط جنین». «هیچ‌گاه به کودکان آزار نرسانید» و «از حق انتخاب زنان دفاع کنید». فمینیست‌ها معتقدند فقط در صورتی کودک را قبل از تولد می‌توانیم یک انسان کامل بدانیم که از قبل وجود او را پیش‌بینی کرده باشیم. در غیر این صورت او چیزی نیست جز «توده‌ای از بافت».

نویسنده، با مقایسه‌ی این تفکر و ایده، با آموزه‌های کتاب مقدس در مورد قداست زندگی بشر حتی در شکم مادر، مصلحت اندیشی‌ها و راحت‌طلبی‌های شخصی فمینیست‌ها را مورد انتقاد قرار می‌دهد و کشتن وحشیانه‌ی کودکان بی‌گناه در رحم مادران را کاری خارج از دایره‌ی اخلاق می‌داند؛ گرچه در حوزه‌ی سیاست قانونی باشد.



فصل نهم: قربانی یا فتح

فصل نهم به ارزیابی جنبش فمینیسم از نگاه نویسنده اختصاص دارد. او معتقد است فمینیست‌ها به اهداف مورد نظرشان چندان دست نیافته‌اند. وی می‌گوید متأسفانه جنبش فمینیسم به نمایش زنان به عنوان قربانیان ادامه می‌دهد و معتقد است که اگر زنان قربانی شده‌اند، پس این فرض پیش می‌آید که پس از گذشت ۱۰۰ سال، این جنبش کمتر موفق بوده است.

دایانا می‌گوید من تعجب می‌کنم که بسیاری از نمایندگان فمینیسم، نویسندگان، سخنرانان عمومی و دانشگاهیان هستند. اما چطور در موفقیت‌های شغلی با مالیات‌های زیاد و مسئولیت کارکنان دوام می‌آورند.

فصل دهم: آخرین تأملات

فصل دهم، به تعبیری می‌تواند نتیجه‌گیری یا بیان آرزوهای دایانا پاسنو باشد، در این فصل، لحن نویسنده نرم‌تر و نصیحت‌گونه‌تر می‌شود و سعی می‌کند زنان مغایر با خود را به خود نزدیک‌تر کند و با اشاره به تعبیری از کتاب مقدس، واقعیات زندگی را به زنان بفهماند. گرچه در این فصل نیز دست از انتقاد به فمینیست برنمی‌دارد.

نویسنده تغییرات فرهنگی در خصوص زنان و نقش مخرب زنان در فیلم‌های مستهجن و رها شدن زنان از درون خانه‌ها را نتیجه‌ی تفکرات غلط در خصوص زنان، عدم آشنایی آنان با فرهنگ ادیان و رواج تفکر فمینیستی قرن اخیر می‌داند.

فصل هفتم: سرپیچی از متون مقدس

فصل هفتم نویسنده به طرفداری از متون مقدس و سنت‌های صحیح تأکید می‌کند که آفت اجتماع کنونی و همه‌ی سردرگمی‌های زنان نتیجه‌ی سرپیچی از متون مقدس است. او در این فصل، مثل گذشته، مقایسه‌ای میان زندگی سالم دینی و ناسالم ضد دینی انجام می‌دهد.

فصل هشتم: منازعه مادران مست

دایانا در این فصل، با تحلیلی از زندگی شلوغ و پرماجرایی زنان شاغل، آن‌ها را به وظیفه‌ی اصلی و رابطه‌ی آن‌ها با خدا و کارهای مؤثرتری که می‌توانند در خانه انجام دهند، می‌پردازد و از این نظر که کار بیرون صددرصد بر همه‌ی جنبه‌های زندگی داخلی زن اثر می‌گذارد، گوشزد می‌کند که مراقبت و سرپرستی فرزندان مهم‌ترین چیزی است که باید مورد ملاحظه‌ی مادران شاغل قرار گیرد.